

مطبوعات برای اینکه بتوانند در جامعه حضور جدی و مؤثر داشته باشند، احتیاج به فضای مناسب دارند، یکی از عواملی که به ایجاد فضای مناسب کمک می کند تعریف روشن و واضح آزادی مطبوعات است. شما آزادی مطبوعات را چگونه تعریف می کنید؟
آزادی مطبوعات با توجه به چند عنصر مشخص می شود، از جمله انتشار آزادانه یعنی عدم نیاز به کسب اجازه از دولت، عدم سانسور قبل از انتشار، ممنوعیت توقیف خودسرا نه نشریات،پیش‌بینی دقیق استثناها ومحدودیت‌های مطبوعات که شامل مقررات حاکم بر محتوای شو،پیش‌بینی قانونی جرائم مطبوعاتی و ضرورت رسیدگی به آن‌بادر نظر گرفتن شرایط خاص حرفه روزنامه‌نگاری و خدمت اجتماعی روزنامه‌نگار در دادگاه‌های عادی دادگستری و با حضور هیأت منصفه، اگر به هر یک از این عناصر خللی وارد شود، آزادی مطبوعات لطمه می بیند.

با توجه به تعریفی که ارائه کردید، فضای عمومی فعالیت‌های مطبوعاتی را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می کنید و به نظر شما این فضا تا چه حد ضامن پیشرفت نسبی آزادی مطبوعات است؟

طبیعتاً فضای آزادی مطبوعات پس از پایان جنگ بهبود یافت و پس از مدتی سرعت بیشتری پیدا کرد و با وجود بعضی از ضعف‌ها مثل ضرورت کسب اجازه انتشار از دولت، تعدادی روزنامه و مجله منتشر شد که قبلاً وجود نداشتند و به ویژه تعداد روزنامه‌های روزانه که مهم‌ترین و مؤثرترین نشریات دوره‌ای هستند، افزایش پیدا کرد و به نظر من در روند توسعه مطبوعات کشور پیشرفت بسیار بزرگی بود و بدون تردید از فضای عمومی مطلوب فعالیت مطبوعات ناشی می‌شود.

شما به نتایج مثبت فضای مطبوعاتی در سال‌های اخیر اشاره کردید، چه عوامل منفی‌ای در رابطه با فعالیت روزنامه‌ها و نشریات دیده می‌شود؟

عوامل منفی را باید با توجه به شرایط در نظر بگیریم. متأسفانه ما در دوره پیش از ۱۶۰ سال‌تجربه مطبوعاتی، زمان‌های بسیار محدودی شاهد آزادی فعالیت مطبوعاتی از زمان انتشار روزنامه میرزاصالح شیرازی به مدت ۷۰ سال مطبوعات استبدادی داشتیم. در دوران

محدودیت‌هایی که از طریق تعقیب قضایی پیش آمده در مقایسه با کشورهایی که اصلاً اجازه انتشار ندارند، قابل تحمل است. روزنامه‌نگاران باید خود را طوری با شرایط منطبق کنند که در کنار همه محدودیت‌ها بتوانند به کار ادامه دهند.

در حال حاضر دو شیوه مرسوم انتشار مطبوعات در جهان وجود دارد. شیوه پیشگیری و شیوه تنبیهی یا تعقیبی و در کشور ما از شیوه پیشگیری استفاده می‌شود. به غیر از ایران چه کشورهای دیگری از این شیوه استفاده می‌کنند و به نظر شما وجه مشترک این کشورها چیست؟

من از سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی بارها گفته‌ام که نظام مطبوعاتی ما به خاطر استفاده از شیوه‌های پیشگیری همواره با تجربیات منفی روبه‌رو بوده‌است و انتظار داشتم بعد از پیروزی انقلاب این دوره شصت ساله تجربه منفی به پایان برسد. هر چند که در قانون اساسی بسیاری از جنبه‌های مثبت پیش‌بینی شده که اصل ۲۴ و ۱۶۸ بهترین نشانه آن است اما ما هم باید مانند بسیاری از کشورها موضوع عدم نیاز به اجازه انتشار و عدم استفاده از سانسور مطبوعات را در قانون اساسی می‌گنجانیم تا آزادی مطبوعات تأمین و تضمین می‌شد، استفاده از شیوه فعلی در سطح جهانی و از نقطه نظر حقوق بشر در سازمان‌های بین‌المللی هم به ما لطمه می‌زند. از سال ۱۹۸۲ که سمینار منطقه‌ای یونسکو در مورد رسانه‌های آزاد، مستقل و کثرت‌گرا در «آلمانی» پایتخت قزاقستان برگزار شد طی مقالات و سخنرانی‌ها این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که در منطقه آسیا و اقیانوسیه، به جز چین و کشورهای کمونیستی جنوب آسیا، فقط ایران، اندونزی، سنگاپور و مالزی دارای نظام پیشگیری هستند.

امروز هم سه کشور دیگر از همین نظام استفاده می‌کنند؟
به احتمال زیاد اندونزی تحت تأثیر تحولات اخیر آن را کنار گذاشته‌است، متأسفانه در میان کشورهای عربی هم اکثر آ‌ز این شیوه استفاده می‌شود و فقط در قوانین الجزایر، مراکش، تونس و موریتانی در شمال و شمال شرقی آفریقا عدم ضرورت کسب اجازه انتشار از دولت پیش‌بینی شده و در سایر کشورهای عربی شمال آفریقا، آسیای غربی و جنوب غربی و کشورهای حاشیه خلیج فارس از نظام پیشگیری استفاده می‌کنند.

گفت و گو با دکتر کاظم

و گفتید در حال حاضر در کشور ما فقط یک مورد از این محدودیت‌ها اعمال می‌شود و آن هم کسب اجازه قبلی از دولت برای انتشار نشریه است. به نظر شما اگر همین امروز اعلام شود که کسب اجازه قبلی الزامی نیست، با تو چه به شرایطی که بر فضای مطبوعات کشور حاکم است- چه مثبت و چه منفی- چه تغییر عمده‌ای به وجود می‌آید؟

زمینه روحی مناسبی ایجاد می‌کند.

به غیر از این مورد، واقعا تغییر این شرط در صورتی که شروط نانوشته دیگری وجود داشته باشد، چه تأثیری بر کار روزنامه‌نگاری خواهد داشت؟

خیلی مؤثر است. نشان می‌دهد که اصول کلی آزادی مطبوعات پذیرفته شده و در عمل، محدودیت ایجاد می‌شود. پیش‌بینی نکاتی اینچنین در قوانین ما بسیار مهم است. یکی از نقاط ضعف ما که بارها از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اعلام می‌شود، همین شرط ضرورت کسب اجازه قبلی در قانون مطبوعات است.

بنابراین پیشترین تأثیر حذف این شرط، کسب وجه مثبت در سطح بین‌المللی است؟

در داخل هم این امید به وجود می‌آید که تمامی کسانی که مایل به انتشار نشریه هستند، این امکان را پیدا می‌کنند. طبیعتاً عده زیادی متقاضی انتشار روزنامه و نشریه می‌شوند چون بسیاری از افراد برخلاف اصل آزادی مطبوعات، حاضر به کسب اجازه قبلی نیستند. **آقای دکتر، از زمان انتشار روزنامه کاغذ اخبار که معمولاً به عنوان اولین روزنامه ایرانی مطرح می‌شود، همواره درباره سانسور هم سخن‌های بسیاری گفته شده‌است. ارزیابی شما از قوانینی که هم اکنون برای مقابله با سانسور اعمال می‌شوند، چیست؟**
برخلاف دوره مشروطیت که ممنوعیت سانسور در اصل بیستم متمم قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ممنوعیت سانسور را فقط در قوانین عادی مطبوعاتی می‌بینیم و مخصوصاً به صورتی که در قانون مطبوعات مصوبه سال ۱۳۶۴ دیده می‌شود، ضمانت اجرایی خیلی دقیق و شدیدی ندارد و اگر مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، به دشواری بتوان آن را پیگیری کرد. هر چند که در مجموع و در مقایسه با بعضی از کشورها می‌توان گفت که از

گفت و گو با دکتر کاظم معتمدنژاد، استاد دانشگاه

پیشرفته جهان صورت گرفته و آن، ضرورت تصویب قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری است که در آن تعریف می‌شود روزنامه‌نگار کیست، چه مشخصاتی دارد، از چه حقوق و مسؤولیت‌هایی برخوردار است، چه مزایای مادی و معنوی به او تعلق می‌گیرد، چگونه می‌تواند با خیال راحت کار خود را انجام دهد تا نسبت به آینده و زندگی مادی و معنوی خود بیمی نداشته باشد. همچنین چگونگی ورود یک روزنامه‌نگار به مؤسسه مطبوعاتی، چگونگی ترفیع و ارتقاء او تا سطح سردبیری، مسائل مربوط به بیمه، بازنشستگی و... پیش‌بینی می‌شود. اگر ما قانون استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را آماده کنیم و به تصویب برسانیم، فکر می‌کنم که مقدمات دلگرمی بیشتر روزنامه‌نگاران فراهم می‌شود و این قانون باید با پیمان دسته جمعی کار روزنامه‌نگاری بین نمایندگان انجمن روزنامه‌نگاران، نمایندگان مالکین مطبوعات و نمایندگان وزارت کار تکمیل شود. از سوی دیگر برای اینکه استقلال حرفه روزنامه‌نگاری تضمین شود، نیاز به یک نهاد خاص به نام شورای مطبوعات داریم که نهادی است منتخب روزنامه‌نگاران، مدیران و مالکان مطبوعات و بخشی از نهادهای اجتماعی و کار آن نظارت بر اجرای اصول آزادی مطبوعات رعایت معیارهای حرفه روزنامه‌نگاری و اصول اخلاقی این حرفه است. ببینید، امروز گاهی ما با طرح صداها شکایت در مورد یک روزنامه یا مدیر مسؤول مواجه هستیم، تعداد این شکایات را می‌توان بسیار تقلیل داد زیرا بیشتر آنها در ارتباط با اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری است نه جرائم مطبوعاتی و شورای مطبوعات بهتر از هر جای دیگری می‌تواند به آنها رسیدگی کند.

آقای دکتر، در طول سال‌های گذشته شاهد بودیم که مدیران مسؤول بعضی از روزنامه‌ها از بین افرادی انتخاب می‌شوند که نه تنها هیچگونه تجربه‌ای در حرفه روزنامه‌نگاری ندارند، بلکه تحصیلات و یا سابقه فعالیت آنان نیز هیچگونه ارتباطی با این حرفه پیدا نمی‌کند، تجربه نشان داده که این افراد وقتی که در رأس یک مؤسسه مطبوعاتی قرار می‌گیرند از کسانی به عنوان سردبیر و دبیر سرویس استفاده می‌کنند که یا سنجیتی با این حرفه ندارند و یا شرایطی فراهم می‌کنند که خبرنگاران به جای داشتن دغدغه اطلاع‌رسانی و روزنامه‌نگاری برای مردم در جهت علائق و روابط

مریم بی‌زنی

از زمانی که سیاستمدار انگلیسی در مجلس بلند شد و خطاب به خبرنگاران گفت: «شما رکن چهارم دموکراسی هستید»، سالیان زیادی گذشته است. مطبوعات غرب با عبور از سه دوره استبدادی، عقیدتی، سیاسی و تجاری همچنان طی مسیر می‌کنند. با وجود آنکه اینترنت، ماهواره و... دنیای بسیاری از افراد را پر کرده است اما هنوز هستند کسانی که لذت خواندن یک مطلب مفید در روزنامه را به سایر شیوه‌های کسب خبر ترجیح می‌دهند. درسال‌های اخیر مطبوعات در کشور ما فراز و فرود بسیاری از سر گذراند، تجربه‌هایی که در آینده تلخی یا شیرینی آن به اثبات می‌رسد. با دکتر «کاظم معتمدنژاد» استاد دانشگاه و از صاحب نظران ارتباطات و حقوق مطبوعات به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید:

مدیران حرکت می‌کنند و به موضوع‌های خبری و افراد خبرساز نه از زاویه دید مردم بلکه از زاویه دید آنها نگاه می‌کنند. به همین دلیل گاهی با روزنامه‌هایی رو به‌رو می‌شویم که انگار برای مردم این جامعه منتشر نمی‌شوند. به نظر شما نفوذ چنین افرادی در شورای مطبوعات تا چه حد امکان درک درست از استقلال حرفه روزنامه‌نگاری را فراهم می‌کند؟

اینجا ضرورت‌های دیگری پیش می‌آید. باز جنبه‌ای است که به آن نپرداخته‌ام یعنی ضرورت وضع قوانین در مورد مؤسسات مطبوعاتی. مؤسسه مطبوعاتی باید از مؤسسات معمولی متمایز شود چرا که دارای ماهیت خاصی است. در بعضی از کشورها مقرراتی وضع شده که باید تأسیس کنندگان یک مؤسسه مطبوعاتی، میزان سرمایه‌گذاری آن، اهداف آن و... مشخص شود و مدیران مؤسسات مجبورند اصولی را رعایت کنند. نمی‌توانند به سمت تمرکز اقتصادی یا داشتن نشریات متعدد حرکت کنند. تیراژهای مملکتی محاسبه می‌شود مثلاً نمی‌توانند بیشتر از ۲۰ درصد میزان کل تیراژ را در اختیار داشته باشند و از سوی دیگر نمی‌توانند خبرنگاران را مجبور به استفاده از شیوه خاصی بکنند. ما احتیاج داریم که قانونی هم در مورد وضعیت حقوقی مؤسسات مطبوعاتی داشته باشیم.

تاکنون بارها گفته شده که اعمال محدودیت در مورد رسانه‌های داخلی باعث سلب اعتماد مردم نسبت به آنها می‌شود. امروز در کوچه و خیابان، اتوبوس و تاکسی، محافل خانوادگی و... اخباری ردوبدل می‌شود که از طریق شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مخصوص شبکه‌های ایرانی پخش شده‌اند. به نظر شما استفاده مردم از این شبکه‌ها در درازمدت چه عواقبی در پی خواهد داشت؟

طبیعتاً عواقب منفی زیادی دارد، هر چند که نمی‌توان نسبت به آثار مثبت استفاده از آنها تردید داشت. زیرا مردم دنیا را بهتر می‌شناسند، بازندگی افراد در جوامع دیگر آشنا می‌شوند، نقاط ضعف یا مثبت کشورهای دیگر را می‌بینند ولی آثار زیانبار آن در طول زمان بیشتر مشخص می‌شود و آن لطمه‌ای است که به هویت ملی و فرهنگی ما وارد می‌شود. با در نظر گرفتن اینکه بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به وسیله شرکت‌های فراملی با اهداف سودآوری تهیه می‌شوند و برنامه‌ها سرگرم کننده مبتذل هم پخش می‌کنند و به انتشار آگهی‌های تجاری حامی نیازهای کاذب می‌پردازند، نمی‌توانیم از جنبه‌های منفی آن غافل شویم ولی تمام این نکات نباید باعث ممنوعیت حق آزادی افراد برای استفاده از این برنامه‌ها شود. باید شرایطی را فراهم کنیم که از یک سو در مراکز آموزشی جوانانی را پرورش دهیم که ایران را خوب بشناسند، عقاقلانه فکر کنند، تابع احساسات و هیجان نباشند، به تقلید کورکورانه نپردازند، مصالح و منافع ملی را تشخیص دهند؛ در مقایسه با جوامع دیگر احساس غرور داشته باشند و آرزو نکنند که تنها شرایط ظاهری کشورهای دیگر را به دست بیاورند و از سوی دیگر برای اینکه توجه و علاقه عامه را به حفظ هویت ملی جلب کنیم باید وسایل ارتباط جمعی داخل کشور را با نیازهای امروز هماهنگ کنیم. محتویات مطبوعات، فیلم‌ها، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به کلی دگرگون شو تا عدم اعتماد و بی‌توجهی که در حال حاضر بخصوص در میان جوانان نسبت به برنامه‌های داخلی و به ویژه تلویزیون وجود دارد، از بین برود. به نظر من تجربه سینما به



خوبی نشان داده که اگر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی داشته باشیم می‌توانیم موفق باشیم. با برنامه‌های فعلی تلویزیون نمی‌توانیم با تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای مقابله کنیم.

نقش تشکل‌های صنفی در ایجاد شرایط مناسب برای مطبوعات چگونه است؟

بدون تشکل نیرومند حرفه‌ای نمی‌توانیم قوانین مورد نیاز را وضع کنیم. سندیکای ملی روزنامه‌نگاران فرانسه ۳۰ سال مبارزه کرد تا توانست قانون اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را به تصویب برساند. ما هم اگر می‌خواهیم اصول حقوقی داشته باشیم باید انجمن‌های متعدد کنار هم قرار بگیرند و با هم همکاری کنند. تشکل‌های صنفی می‌توانند مقدمات تصویب قانون استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، پیمان دسته‌جمعی روزنامه‌نگاران و شرایط تأسیس شورای مطبوعات را فراهم کنند.

با توجه به اینکه یکی از مشکلات امروز جامعه ما سیاست‌زدگی است و تشکل‌های صنفی هم به نوعی درگیر این جریان هستند، به نظر شما می‌توانند تأثیر لازم را داشته باشند؟

شرایطی که گفتید در کشورهای دیگر هم وجود دارد ولی برای اینکه حرفه روزنامه‌نگاری پایدار باشد، کسانی که در این حرفه هستند باید دلسوزی بیشتری نشان دهند، دلسرد نشوند، مقاومت کنند چون روزنامه‌نگاری به طور مستقل و بدون حضور تشکل‌های صنفی نمی‌تواند پایدار بماند، هر چند که ما این تجربه تلخ را همواره داشته‌ایم ولی بدون حضور تشکل‌های صنفی، روزنامه‌نگاری، وضعیتیت متزلزل و ناپایدار خواهد داشت. عده‌ای باید دلسوزی کنند، فداکاری کنند، رنج ببرند تا دیگران امیدوار شوند. در واقع ما باید شرایط را تغییر دهیم یعنی از افراط در سیاست‌پیریزی‌هم و به حرفه‌گرایی توجه بیشتری داشته باشیم. **به نظر شما در مورد تهیه و تدوین قانون مطبوعات مصوبه ۱۳۶۴ که در حال حاضر اجرا می‌شود تا چه اندازه از نظر کارشناسان استفاده شده؟**

ام‌زه‌های اول پس از پیروزی انقلاب در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها همین مسائلی که امروز در گفت‌وگو با شما مطرح کردم در قالب سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها عنوان شد. همکاران مطبوعاتی در آن زمان با توجه به علاقه‌ای که به تجربه دوره حکومت دکتر مصدق داشتند با اقتباس از لایحه قانونی مصوبه ۱۳۳۱، لایحه قانونی مصوبه شورای انقلاب را تدوین کردند و بدون تحقیق علمی، شرایط بعد از پیروزی انقلاب و مقتضیات زمان امروز را مورد توجه قرار ندادند. من مسؤولیت کسانی که این لایحه را تهیه کردند پیشتر از تصویب کنندگان آن می‌دانم. پس از پایان جنگ در سمینارهای بررسی مسائل مطبوعات ایران و در برخورد با مسؤولین حرف ما همیشه این بوده که برای تصویب قانون باید پژوهش کرد. من شخصاً در رابطه با ضرورت اصلاح قانون مطبوعات بارها در حضور نمایندگان مجلس، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و... صحبت کرده‌ام، همکاران دیگر هم طرف مشورت قرار گرفته‌اند اما باید بگویم که تو جبهی به گفته‌های ما نشده‌است.

پس یک بار دیگر هم بگویید قانون مطبوعات به چه تغییراتی احتیاج دارد؟

قانون مطبوعات ما باید با مندرجات اعلامیه جهانی حقوق بشر و ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سیاسی منطبق شود ولی باز تأکید می‌کنم که در مقایسه با بسیاری از کشورها، اگر که واقع‌نگری داشته باشیم، آزادی مطبوعات در کشور ما بیشتر است.

مثلاً با چه کشورهایی باید خود را مقایسه کنیم؟ کشورهای آفریقایی؟

بله، و حتی ترکیه و بعضی از کشورهای عربی.

